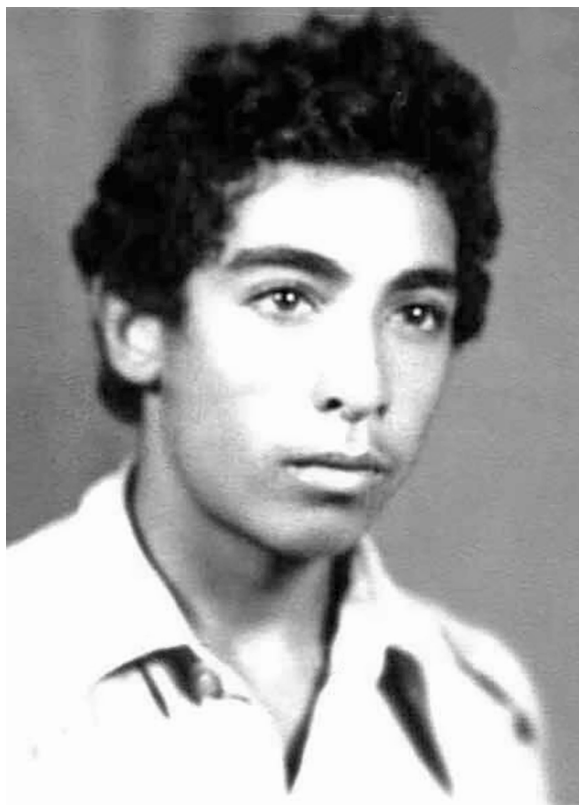


شهید حسن ابراهیمی منفرد



نام پدر	جابر
تاریخ تولد	۱۳۴۱/۰۴/۰۲
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۸/۲۰
محل شهادت	عین خوش
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دیپلم
مدفن	دیر

زندگینامه

شهید حسن ابراهیمی منفرد، در سال ۱۳۴۱ پس از ۱۴ سال انتظار پدر و مادر از زمان ازدواج، در خانواده ای مذهبی و متدین در دیر دیده به جهان گشود. در سن هفت سالگی پا به عرصه ی علم و دانش گذاشت و تحصیلات خود را تا سال دوم متوسطه ادامه داد. از اخلاق نیک برخوردار بود و در تمام مراسم های مذهبی و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی حضور فعال داشت و به همه احترام می گذاشت. در تظاهرات علیه طاغوت، فعالانه حضور داشت و اطلاعیه ها را پخش می کرد و در شعار نویسی روی دیوارهای شهر نیز نقش فعال و پررنگی داشت. دوستدار امام خمینی (ره) بود و به انجام فرائض دینی پای بند و معتقد بود.

پس از پیروزی شکوهمند اسلامی اسلامی و تشکیل بسیج مستضعفان به فرمان امام امت، با ثبت نام در این نهاد مقدس، حضوری فعال در صحنه های مورد نیاز انقلاب اسلامی داشت. در تابستان ۱۳۶۱ به بوشهر رفته و در شیلات آنجا به کار مشغول شد و از طریق بوشهر در تاریخ ۱/۷/۱۳۶۱ به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام گردید. محل خدمت او جبهه عین خوش بود و شهید ابراهیمی منفرد به عنوان فرمانده دسته در عملیات محرم شرکت کرد و با قمقمه ی خالی و با لب تشنه در عملیات محرم به دست بعثیان به شهادت رسید. پس از شهادت ایشان، بار دیگر خانواده شهید ۱۴ سال انتظار کشیدند تا اینکه در تاریخ ۹/۳/۱۳۷۵، استخوان های معطر شهید، بر روی دست مردم شهیدپرور شهر دیر تشییع و در جنت الشهداء دیر در جوار دیگر شهیدان آرام گرفت.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری می کند.

به نام خداوند در هم گوبنده ستمگر از تنها راه سعادت، ایمان، جهاد، شهادت.

با عرض سلام به ساحت مقدس ولی عصر، امام زمان روحی و ارواح العالمین له الفداء و درود بر منجی انسانیت که از خدا می خواهم از عمرم بکاهد و به عمر پر برگتش بیفزاید. درود فراوان بر شهیدان اسلام از هابیل تا حسین و از حسین تا کربلای ایران.

خدایا اینک هر قدمی که بر می دارم، هر گلوله ای که شلیک می کنم و قلب دشمن را هدف و نشانه می گیرم برای تو و هر گلوله ای که بر بدنم می خورد به یاری تو تحمل می کنم دردش را و زجرش را که شیرین تر از عسل می باشد.

پدر و مادر عزیزم، سلام عرض می کنم. حال که این وصیت نامه به دست شما عزیزانم رسیده است من در ابدیت قرار گرفته ام و از شما فقط طلب و تقاضای بخشش می نمایم و امیدوارم که مرا حلال کنید و مرا ببخشید. نکند که مرگم باعث ناراحتی شما شود. پدر بزرگوارم! از روزی که پای به این دنیا نهاده ام تا امروز که خود را شناخته ام، در آغوش باز و پر محبت شما چه رنج ها و زحماتی را در مورد من متحمل شده اید. پدر جان مرا ببخش و حلالم کن زیرا چیزی که در من بوده فقط خدمت به اسلام و قرآن بوده و چیزی دیگر نبوده است.

مادر عزیزم! ای نور خدادادی، ای به فدای آن دامن پاکت که بوی دامن حضرت زینب را می دهد. ای مادر عزیز! ای کسی که زینب وار عمل می کردی و قلب رئوفت را در اختیار من گذاشتی! نمی دانم چگونه باید جبران کرد آن همه زحماتی که برای من کشیدی. مادر جان از تو می خواهم که بعد از من هیچ ناراحتی نکنی زیرا که من از علی اکبر و علی اصغر حسین بهتر نبودم. مادر از شما طلب بخشش می کنم و معذرت می خواهم که نتوانستم آن طور که شما می خواستید باشم و نتوانستم یک فرد مؤمن و پاک باقی بمانم. ولی در مقابل عدل الهی توبه کردم و جانم را فدای اسلام کرده ام. و در راه اسلام خواهم مرد و از همه شما حلال خواهی می کنم و شما را سفارش به تقوا می کنم و چند سخنی با خواهران و برادران دارم:

«و تو ای خواهر، حجاب و عفت و پاکدامنی را بیش از هر چیز مورد اهمیت قرار بده، چون حجاب تو از خون سرخ من هم بیشتر دشمن را می ترساند و مشت مگمی به دهن یزیدیان و منافقان است.»

«برادران عزیز و ای کسانی که پشت جبهه را تقویت می کنید! امام را فراموش نکنید و در راه پیشبرد اسلام عزیز، به رهبری امام خمینی بکوشید.»

در آخر از پدر و مادر و برادران و خواهران و فامیل می خواهم که همیشه ذکر خدا بر لب داشته باشند. الله اکبر را تکرار کنند. در پایان از برادرم می خواهم که در شی را ادامه بدهد تا بتواند خدمتی برای اسلام کند و راه شهیدان را ادامه دهد.

خدا حافظ پدر و مادر گرامی خدا حافظ خویشان و دوستان . خدا حافظ مردم شهید پرور دیر .

در ضمن مرا در شاهزاده ابوالقاسم کنار قبر شهیدان دفن نمایید و روزهای جمعه مرا فراموش نکنید.

حسن ابراهیمی منفرد - اعزامی از دیر



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران